وطن امروز

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ ■ ۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۸ ■ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۶ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۵۱ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۸ سال و ۱۰ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.09 ■ No.2051 ■ Sun.Dec.18, 2016 ■ ISSN:2008-2886

با اشاره به آزادسازی حلب

روحانی: برخی نگران سلامت تروریست‌ها هستند

صفحه ۲

یادداشت مهدی محمدی

تبعات راهبردی پیروزی در حلب

صفحه ۵

با سکوت اوباما، مصوبه کنگره مبنی بر تمدید ۱۰ ساله تحریم‌های ISA علیه ایران قانون شد

وتو نکرد!

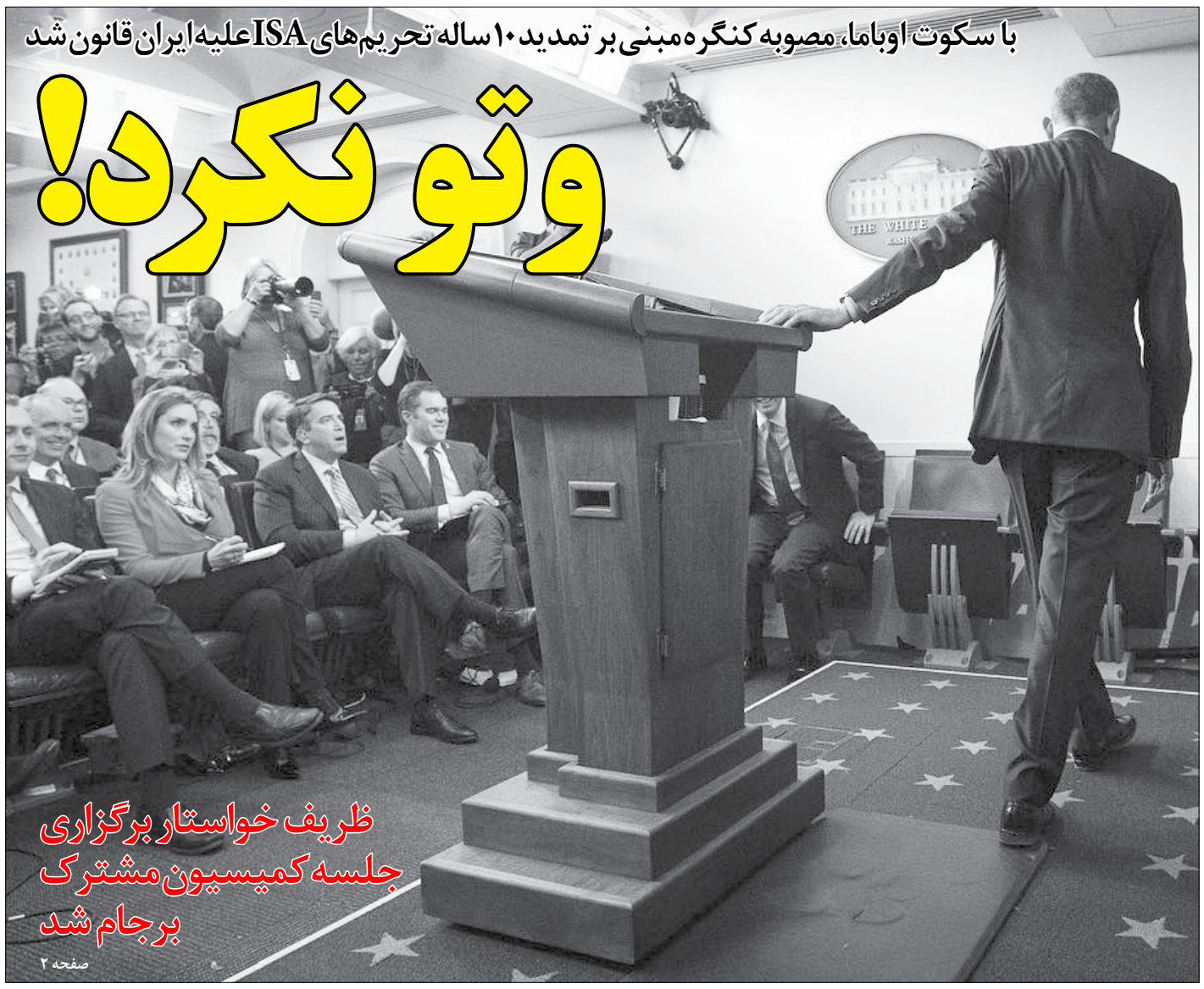

ظریف خواستار برگزاری جلسه کمیسیون مشترک برجام شد

صفحه ۲

تیترهای امروز

رهبر انقلاب در دیدار مسؤولان، میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی:

انگلیس منبع نکبت برای منطقه

صفحه ۲

رئیس اسبق ستاد مشترک ارتش انگلیس:

ما جنگ سوریه را باخته‌ایم

صفحه ۱۵

در سالروز میلاد پیامبر(ص) انجام شد

رونمایی از گنبد جدید حرم علوی

صفحه ۴

رئیس سازمان غذا و دارو اعلام کرد

ورود کالای قاچاق از گمرک!

صفحه ۴

انتقاد مهرداد بذرپاش از مدیریت نجومی‌بگیر

این قرارمان نبود

■ قرار بود از خودمان بگذریم و به مردم برسیم

صفحه ۲

یادداشت میهمان

مقایسه فرصت‌سوزی برجام و دیپلماسی قرن ۱۹

■ دکتر رضا سراج ■

با تمدید و ابلاغ تحریم‌های ۱۰ ساله ایران، برجام عملاً و رسماً نقض شد. در این شرایط استفاده از مکانیسم ماله برای لاپوشانی خسارت محض، تداعی‌کننده دیپلماسی قاجاری در قرن ۱۹ است. مقایسه این دو مقطع از تاریخ دیپلماسی ایران، عبرت‌آموز و آگاهی‌بخش خواهد بود.

در زمان حکومت قاجار دریچه‌ای از فرصت‌های بی‌سابقه در مناسبات بین‌المللی به روی ایران گشوده شد. عواملی چون موقعیت راهبردی ایران، جنگ‌های ناپلئونی با جبهه‌گشایی به سمت شرق و تقابل قدرت‌های جهانی با یکدیگر، بخشی از این فرصت‌ها و معادلات بود. در چنین شرایطی دولت بریتانیا مجبور شد به ایران توجه کند. دولت قاجار (آغاز قرن ۱۹م) از توسعه مناسبات با انگلیس برای کمک به ارتقا و تثبیت جایگاه سیاسی خود و همچنین مقابله با تهدید اساسی امپراتوری روسیه استقبال کرد. سال ۱۲۲۸هـ/۱۸۱۲م، به دنبال یورش ناپلئون به روسیه و صلح بریتانیا با روس‌ها، انگلستان از طریق «اوزلی» وزیرمختار خود در ایران، دولت قاجار را به صلح با روسیه وادار کرد. اوزلی و رتیشچف توافق کردند برای جلب اعتماد دولت قاجار در پیش‌نویس عهدنامه صلح، بندی گنجانده شود که تعیین تکلیف بخشی از نواحی اشغالی ایران به نتیجه مذاکرات ایلچی یا تزار وانهاده شود. با این تدبیر، فتحعلی‌شاه به روند فرساینده‌ای از مذاکرات گام نهاد که وقت‌کشی و در نهایت تحمیل منویات روس‌ها به حکومت قاجار نتیجه آن بود. زمانی که خطر ناپلئون رسماً فروکش کرد، انگلستان زیان‌دیده از این بحران، ضرورتی نمی‌دید به تعهدات وزیرمختار خود توجه کند و مساله ایران و روسیه را امری مربوط به ۲ کشور تشخیص داد. تکاپوهای دیپلماتیک حکومت قاجار نیز برای واداشتن آن کشور به قبول مسؤولیت خود در این مناقشه، راه به‌جایی نبرد.

نتیجه دیپلماسی قاجاری آن شد که حکومت قاجار در قرن ۱۹ درحالی‌که می‌توانست با استفاده از فرصت‌ها و معادلات بین‌المللی، دیپلماسی هوشمندانه و عزتمندانه‌ای را پیش بگیرد اما متأسفانه با اشتباه محاسباتی و سهل‌اندیشی در اعتماد به انگلستان و...

ادامه در صفحه ۵

نگاه امروز

علی‌اکبر عباسی: ۱- «هرکس با هر تفکری که در انتخابات سال ۹۶ کاندیدا شود هدفش تخریب آقای روحانی است»! شاید وقتی این سخنان را از زبان وزیر کابینه دولتی که کباده دموکراسی و آزادی می‌کشد بشنویم به قدری برای‌مان تعجب‌آور باشد که حتی تصور کنیم شاید این مطالب به طور سهوی از زبان او در رفته است اما آنگاه که به منشأ بیان این دست مواضع توجه کنیم و سابقه اینگونه موضع‌گیری‌ها را یادآور شویم و خاستگاه سیاسی دولتی که وزیرش اینگونه سخن می‌گوید را مدنظر قرار دهیم، متوجه خواهیم شد بیان سخنانی از این دست نه آنچنان تعجب‌آور است و نه سهو و اشتباهی در کار بوده است.

همین چند روز پیش بود که محوری‌ترین تئوریسین جریان اصلاحات در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها، در رابطه با دولت روحانی و شرایط وی در انتخابات ۹۶ گفت: «روحانی برای کاندیداتوری دوباره باید ناز کند؛ خیلی هم دل‌شان بخواهد فردی مثل او دوباره در این شرایط حاضر باشد کاندیدا شود و عنان کار را در دست بگیرد». علاوه بر این، چند هفته قبل هاشمی‌رفسنجانی، پدر معنوی دولت یازدهم در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد چرایی مشکلات دولت را اینگونه تبیین کرد: «روحانی نسبت به دولت من، خیلی مشکلات بیشتری دارد. مجلسی‌ها همه رفیق من بودند. مجلس در دولت من، مزاحم نبود. افرادی هم بودند که حرف‌هایی می‌زدند اما ما هر چه می‌گفتیم، در آنجا تصویب می‌شد. علمای قم، حوزه و روحانیت حمایت می‌کردند. من امام جمعه بودم، همه ائمه جمعه دنبال صحبت‌های من بودند. برادرم در صداوسیما بود و مشکلی با صداوسیما نداشتیم. اصلا تریبون مزاحم به آن معنا نداشتیم. افرادی که سیاست‌های ما را نمی‌پسندیدند، خیلی کم بودند، مخالفت می‌کردند و به گونه‌ای برای‌شان سنگین شد که در انتخابات بعدی مجلس هم یک دفعه حذف شدند. من اصلا مشکلی نداشتم».

۲- اگرچه وزیر ارتباطات دولت تدبیر، به طور علنی از تدبیر دولت در مواجهه با رقبای احتمالی رئیس‌جمهور پرده برداشت اما فارغ از این سخنان واعظی، نوع برخورد دولت و ارتش رسانه‌ای‌اش با منتقدان و کسانی که احتمال می‌رود در انتخابات آتی رقیب روحانی باشند، خیلی وقت است واقعیت این سخنان را معنا کرده است. به عنوان نمونه شهردار تهران در همین رابطه در جمع دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی می‌گوید: «آنها یک نفر را پیش من فرستادند و گفتند، تو بگو به انتخابات نمی‌آیم، همه این فشارها برداشته می‌شود و از تو حمایت می‌کنیم».

۳- آقای هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود می‌نویسد: «یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ۷۲: آقای محمد غرضی، وزیر پست و تلگراف و تلفن آمد و برای کاندیدا شدن در انتخابات ریاست‌جمهوری مشورت کرد. گفتم ما دنبال این هستیم که کسی به عنوان رقیب انتخابات در صحنه باشد؛ اگر بتواند این نقش را داشته باشد، خوب است. جهات منفی را هم تذکر دادم».

وی همچنین می‌نویسد: «سه‌شنبه ۱۴ اردیبهشت ۷۲: عصر شورای انقلاب فرهنگی جلسه داشت... با دکتر عبدالله جاسبی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی صحبت شد که در انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد شود تا صحنه بی‌رقیب نباشد. دیروقت به خانه رسیدم. عفت هم که از جلسه مراسم تقدیر معلمان نمونه آمده بود، کلی تعریف کرد. آقای عبدالله نوری، وزیر کشور هم تلفنی از خالی بودن صحنه از رقابت در انتخابات اظهار نگرانی کرد که گفتم قرار شده فردا دکتر جاسبی اسم بنویسد».

۴- احمد توکلی در شماره ۳۶ ماهنامه اندیشه پویا با یادآوری خاطره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۲ می‌نویسد: «وقتی نخستین نطق تبلیغاتی تلویزیونی من پخش شد، اوضاع قدری عوض شد. انتقادات من به عملکرد دولت، کارگزاران دولتی را عصبانی کرد. آقای کرباسچی علیه نطق تلویزیونی من بیانیه داد و آقای محمد هاشمی، رئیس وقت صداوسیما این بیانیه را از تلویزیون پخش کرد. این کار او غیرقانونی بود. با این رفتار حدس می‌زدم که نطق دوم تبلیغاتی من به مشکل بخورد، زیرا در نطق دوم انتقادات من به دولت آقای هاشمی و شخص ایشان صریح و بی‌پروا شده بود. ساعت ۲ ظهر روزی که قرار بود شبش نطق دوم من از تلویزیون پخش شود، آقای محمد هاشمی فکسی به ستاد من فرستاد که در آن نوشته شده بود نطق انتخاباتی شما حاوی مطالب غیرقانونی و خلاف مصالح ملی است و صداوسیما از پخش این نطق معذور است لذا باید تغییراتی در این نطق ایجاد شود».

۵- شهریورماه ۷۵ آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت که ماه‌های آخر ریاست‌جمهوری‌اش را طی می‌کرد، به اصفهان سفر کرد. طاهری‌اصفهانی، امام جمعه وقت اصفهان پیش از سخنرانی هاشمی در جمع مردم اصفهان می‌گوید: «اگر ما در مجلس خبرگان می‌دانستیم شخصیتی مانند جنابعالی (خطاب به آقای هاشمی) عهده‌دار منصب ریاست‌جمهوری خواهید بود، هرگز محدودیتی را در انتخاب این مسؤولیت تصویب نمی‌کردیم». فردای آن روز روزنامه «سلام» سخنان عبدالله نوری-که در دولت اول هاشمی وزیر کشور بوده- را اینگونه نقل می‌کند: «مصلحت نظام اسلامی و منافع کشور ایجاب می‌کند دوره ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی برای بار سوم تمدید شود. بنده معتقدم نباید با استناد به منع قانون اساسی درباره تمدید دوره ریاست‌جمهوری آقای رفسنجانی دست‌های خود را ببندیم. از مردم می‌خواهم به عنوان یک وظیفه و برای قدردانی از آقای هاشمی و استمرار برنامه‌های سازندگی و توسعه کشور نگذارند وی کنار برود». طاهری‌اصفهانی بحث تمدید ریاست‌جمهوری هاشمی را به خطبه‌های نماز جمعه نیز می‌کشاند و می‌گوید: «ای‌کاش خدا بر ما منت بگذارد و آقای هاشمی‌رفسنجانی دوباره به مقام ریاست‌جمهوری انتخاب شود». عبدالله نوری همچنین می‌گوید: «بنده دور از هرگونه جناح‌بندی و خط‌بازی معتقدم نباید با استناد به منع قانون اساسی درباره تمدید دوره ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی دست‌های خود را ببندیم و کشور و نظام اسلامی را از وجود چنین شخصیت ارزنده و شجاع و مدیری محروم کنیم». همچنین حسین مرعشی در جمع دانشجویان در پاسخ به منع قانون اساسی برای تمدید ریاست‌جمهوری هاشمی می‌گوید: «اگر در مواردی مصلحت نظام ایجاب کند، مجمع تشخیص مصلحت می‌تواند برخلاف قانون اساسی، قانون وضع کند». وی همچنین در جای دیگر می‌گوید: «آقای هاشمی با این امر موافق نیست، چرا که وی محتاج ریاست‌جمهوری نیست، بلکه کشور نیاز به خدمات ایشان دارد و ما به عنوان مردم کشور چه دلیلی دارد که بخواهیم دست خودمان را ببندیم. ما نمایندگان مردم، خواست مردم را مطرح می‌کنیم و آقای هاشمی‌رفسنجانی در مقابل خواست عمومی شانه از زیر بار مسؤولیت خالی نخواهد کرد».

۶- ۲۹ شهریور ماه ۷۵ حسن روحانی، نایب‌رئیس مجلس پنجم در جمع مردم سرخه سمنان می‌گوید: «قانون اساسی نوکر نظام است و ارزش قانون اساسی آرای مردم است. انسان‌های استثنایی و شایسته در قالب قانون نمی‌گنجند». وی همچنین چند روز بعد می‌گوید: «آقای هاشمی شخصیتی است که وقتی مسؤولیتی را رها کند، جای ایشان پر نخواهد شد». همچنین عطا مهاجرانی، معاون حقوقی و پارلمانی ریاست‌جمهوری می‌گوید: «مجمع تشخیص می‌تواند مصوباتی داشته باشد که مغایر قانون اساسی است؛ اینکه دوره ریاست‌جمهوری یک نفر ۴ سال یا ۵ سال باشد. این رکن (قانون اساسی) نیست و از این رو می‌توانیم درباره انتخاب مجدد یک نفر به ریاست‌جمهوری صحبت کنیم». غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران و شهردار وقت تهران نیز در توجیه تمدید دوره ریاست‌جمهوری هاشمی می‌گوید: «به دلیل اینکه حضور درازمدت مدیران در مسندهای اجرایی ممکن است آفاتی در پی داشته باشد، قانون اساسی پیش‌بینی کرده است یک فرد به صورت مداوم مسؤولیت ریاست‌جمهوری را برعهده نداشته باشد. البته گاهی شخصیت‌های استثنایی در جوامع حضور پیدا می‌کنند که از این قاعده مستثنا هستند». همچنین روزنامه سلام در شماره ۲۹ شهریور سال ۷۵ نوشت: «روز گذشته در راهروی مجلس این طور شایعه شد که تعدادی از نمایندگان- که اکثریت قریب به اتفاق آنها را طرفداران کارگزاران تشکیل می‌دهند- درصدد تهیه یک تومار به حمایت از آقای هاشمی‌رفسنجانی و درخواست تمدید دوره ریاست‌جمهوری وی هستند».

۷- محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت یازدهم و معاون رئیس‌جمهور، ۳ سال قبل در برنامه تلویزیونی شناسنامه درباره تبریک رقبای انتخاباتی انتخابات سال ۹۲ بعد از پایان انتخابات به روحانی و ماجرای تبریک پیروزی احمدی‌نژاد در سال ۸۴، گفت: «تبریک و تهنیت‌های بعد از انتخابات گاهی دلی است و گاهی سیاسی. دل ما با کسی که سال ۸۴ پیروز شد اصلاً صاف نشد و هیچ‌وقت نتوانستیم او را به عنوان مظهر جمهوریت مردم فهیم و با فرهنگ و صادق جمهوری اسلامی ایران بدانیم. شاید هم اشتباه می‌کردیم اما به هرحال اگر دوباره به عقب برگردیم فکر می‌کنم انتخاب‌های من درست بود، هرچند به وسیله اکثریت تایید نشد».

۸- همه آنچه بیان شد، نشان می‌دهد تلاش برای بیرون کردن رقبای انتخاباتی از میدان و اعلام علنی و صریح آن، امری تصادفی و جدید نیست، بلکه این سبک مواجهه با رقبا مشخصه‌ای جدا نشدنی از کارگزاران تکنوکرات است که از دهه ۷۰ تا دهه ۹۰ با آنها همراه بوده است. اگر وادادگی در مقابل بیگانه و به انحای مختلف باج دادن به قدرت‌های خارجی یک روی سکه سیاست‌ورزی این جریان باشد، اقتدارگرایی در داخل روی دیگر آن است که سخنان جناب واعظی تنها نمونه‌ای از آن محسوب می‌شود.

یادداشت امروز

شکست نسخه‌های اسلام بدلی

ظهور تمدن فاتحان حلب

■ دکتر زهرا طباخی ■

به فاصله کمی از انتشار خبر آزادی حلب از چنگال تروریست‌های جنایتکار، تخریب جبهه مقاومت به شکل حداکثری در رسانه‌های اروپایی و آمریکایی آغاز شد. از بی‌بی‌سی تا الجزیره، العربیه، یورونیوز، سی‌ان‌ان و... به نحوی خبر آزادی حلب را پوشش دادند که گویی تا پیش از این شهر در دست گروهی از زنان و کودکان بر اساس اصول دموکراسی اداره می‌شد و اتفاقا در این مدینه فاضله حقوق‌بشر با سرهای بریده‌شده مردان نیز گاه فوتبال بازی می‌شد و کودکان را برای انجام عملیات انتحاری آموزش می‌دادند!

■ **بمباران توئیتر!**

بی‌بی‌سی مرثیه‌های مضحک و بی‌سر و تهی می‌خواند که مضمونش حذف شناسه‌های کاربری عملیات روانی ضد جریان مقاومت از توئیتر و فیسبوک به واسطه بمباران حلب توسط هواپیماهای روس بود! در داخل نیز گروهی از خبرنگاران روزنامه‌ها و سایت‌های زنجیره‌ای غربگرا به یاری برادران خود در جبهه تروریسم بین‌الملل پیوستند و از مقایسه فتح حلب و خرمشهر به خشم آمده و رنگ به رنگ شدند! استدلال‌شان در این‌باره نیز فراتر از درافشانی‌های دوره دفاع‌مقدس و فتنه ۸۸ نبود که بسیجی خوب همت و باکری «شهید» است و طبیعتا حزب‌اللهی که به فریاد مسلمین می‌رسد و امنیت را در آن سوی مرزها تامین می‌کند، مورد مناسبی برای حمایت نیست!

بر همین اساس در ادامه تخریب‌های قبلی که رزمندگان جبهه مقاومت اسلامی را با صفاتی همچون «جنگ‌طلب» و «پولکی» برچسب زده بودند، این‌بار «مدافعان حرم» را «مدافعان اسد» نامیدند و بازی‌های دوره پسالوزان در مقایسه «محمدجواد ظریف» و سردار فاتح لشکر اسلام «حاج قاسم سلیمانی» را یواشکی بایگانی کردند. البته که عملیات روانی غربگرایان و ارتش سایبری سعودی و منافقین قدمتی به عمر تاریخ انقلاب دارد؛ از آن دوره که رزمندگان جان برکف جبهه‌های خرمشهر و آبادان و کردستان را فقرای صف یخچال و کولر و خواربار می‌خواندند تا دوره‌ای که بچه‌های حزب‌اللهی شهرری و اسلامشهر در فتنه ۸۸ را ارتش وارداتی از لبنان خطاب می‌کردند! دشمن، دشمنی می‌کند اما آنچه مهم است علت صدور فرمان حمله تروریست‌های رسانه‌ای در داخل و خارج مرزها به فاتحان حلب و موصل است. غرب و غربگرایان به چه دلیل شیردلان مدافع حرم را تخریب می‌کنند و از باقی ماندن خاک کشورهای اسلامی در دست داعش و سایر گروه‌های تروریستی افراط‌گرا به آرامش می‌رسند؟

■ **روبه‌فنا!**

یک هفته پیش از این در «وطن‌امروز» با مرور تحولات اخیر غرب و جنوب آسیا از آشکار شدن نشانه‌های شکست تمدنی غرب خبر دادیم و گفتیم آنچه «برژینسکی» و «برنارد لوئیس» و «هانتینگتون» به عنوان فلاسفه پشت صحنه لیبرال- دموکراسی از آن می‌هراسیدند، اکنون در حال وقوع است. چند روز بعد نیویورک‌تایمز در یادداشتی به قلم «آماندا توب» نوشت: «کمتر از ۳ دهه پس از آنکه فوکویاما امکان وجود جهانی فارغ از سیطره لیبرال- دموکراسی را منتفی دانست، محققان هشدار می‌دهند اکنون نه فقط نظامی ابدی نیستیم که در آستانه فروپاشی قرار گرفته‌ایم».

این حقیقتی آشکار است که امروز «آمریکا» در برابر تمدن اسلام ناب که آهسته اما پیوسته بال می‌گشاید دچار استیصال شده است. آمریکایی‌ها مدعی هستند انتخابات‌شان به عنوان مظهر دموکراسی با نقض مظاهر امنیت داخلی و خارجی توسط روسیه، دستکاری شده است، در جنگ حلب و موصل شکست سنگینی از ائتلاف مسلمانان متحمل شده‌اند و آینده طرح‌های خاورمیانه صهیونیستی‌شان نیز در ابهام است. لیبرالیسم اقتصادی به عنوان عامل گسترش تمدن غرب نیز به قول ترامپ رو به فناست و چیز زیادی از آن هیمنه باشکوه در دوره افول قدرت باقی نمانده است.

ادامه در صفحه ۵